مجلهٔ آب‌وهوا و کشاورزی
۱۴۷
۲۰۱۸ • ۲ • ۶
نشانی: mengzhuanban@163.com
تلفن: 0478–8526133

دعای باران و مراسم آن در روستاهای کوه‌پایه

نوشتهٔ ماه‌منیر کاوه‌پرور

در روستاهای کوه‌پایهٔ شمالی، وقتی ماه‌ها بی‌باران می‌گذرد و چشمه‌ها کم‌آب می‌شوند، مردم دست به کاری می‌زنند که در شهرها کمتر دیده می‌شود: دعای باران. این دعا تنها کلماتی نیست که خوانده شود؛ مجموعه‌ای است از آیین‌ها، نذرها و رفت‌وآمدهایی که از دیرباز میان اهالی چند روستا تکرار می‌شده است. در سال‌های خشک، این مراسم هنوز هم برگزار می‌شود و بسیاری از جوانان نیز در آن شرکت می‌کنند.

معمولاً نخستین نشانه‌ها از اواخر تیر دیده می‌شود. وقتی برگ درختان بید کنار رودخانه زودتر از موعد زرد می‌شود و آب چشمهٔ بالای ده به نصف می‌رسد، ریش‌سفیدان روستا با هم گفت‌وگو می‌کنند. در این گفت‌وگوها تصمیم گرفته می‌شود که امسال دعا در کدام روستا برگزار شود و چه کسانی باید دعوت شوند. این تصمیم معمولاً بدون رأی‌گیری رسمی و با توافق شفاهی گرفته می‌شود.

روز مراسم را معمولاً جمعه‌ها تعیین می‌کنند، چون بیشتر مردم در آن روز فراغت بیشتری دارند. پیش از آن، خبر به روستاهای همسایه فرستاده می‌شود و از هر خانه دست‌کم یک نفر برای شرکت در مراسم دعوت می‌شود. کسی که دعوت نشود، خود را شریک مراسم نمی‌داند و ممکن است از آمدن خودداری کند.

صبح روز مراسم، مردم در میدان کوچک بالای ده جمع می‌شوند. هر خانواده چیزی همراه می‌آورد: یک کاسه آرد، مقداری روغن، چند عدد تخم‌مرغ یا کمی پنیر. این خوراکی‌ها قرار است بعد از دعا میان همه تقسیم شود. زنان روستا از شب پیش مشغول پختن نان و آماده کردن غذا هستند و کار آشپزی را میان خود تقسیم کرده‌اند.

مراسم با نماز جماعت آغاز می‌شود. امام جماعت یکی از روستاها، که به او «ملا» می‌گویند، دو رکعت نماز می‌خواند و پس از آن دعا را شروع می‌کند. در این دعا از گناهان مردم، از بی‌توجهی به حق همسایه و از فراموش کردن یاد خدا در روزهای پرنعمت سخن گفته می‌شود. سپس از خشکی زمین و رنج دام‌ها یاد می‌شود و از خدا خواسته می‌شود که رحمت خود را بر بندگانش نازل کند.

در میانهٔ دعا، همه دست‌ها را بالا می‌برند و کف دست‌ها را رو به آسمان می‌گیرند. بسیاری از حاضران اشک می‌ریزند و صدای گریه در میدان می‌پیچد. این لحظه برای کسانی که در آن شرکت کرده‌اند بسیار سنگین است. بعد از دعا، نماز ظهر را همان‌جا می‌خوانند و سپس سفره‌ها پهن می‌شود. غذا در سکوت نسبی خورده می‌شود و کسی زیاد حرف نمی‌زند.

پس از ناهار، گروهی از مردان راهی کوه می‌شوند تا سنگ‌های راه را جابه‌جا کنند و مسیر آب را باز کنند. این کار را «لایروبی» می‌گویند و از دیرباز بخشی از مراسم بوده است. زنان و کودکان در ده می‌مانند و ظرف‌ها را جمع می‌کنند. شب، اگر باران آمده باشد، مراسم با جشن و پایکوبی ادامه پیدا می‌کند؛ اما اگر نیامده باشد، همه با دلی سنگین به خانه برمی‌گردند و قرار می‌گذارند هفتهٔ بعد دوباره تلاش کنند.

دعای باران در منطقهٔ مینه‌لند

(ادامهٔ صفحهٔ 5)

حضور همه در این مراسم الزامی است. هیچ‌کس حق ندارد به بهانهٔ کار یا خستگی غایب باشد. اگر کسی بیمار است، باید کسی را به جای خود بفرستد. این قاعده باعث می‌شود که مراسم هر سال با جمعیت زیادی برگزار شود و هیچ خانواده‌ای احساس نکند که از جمع کنار گذاشته شده است.

نشانی تازه‌ی دفتر مجله

اطلاعیه. دفتر تازه‌ی مجله در خیابان ۱۵ خرداد، نبش کوچهٔ ۱۲، ساختمان ۴۵، طبقهٔ دوم است. صندوق پستی ۱۴۵۵–۱۹۳۱۷ بدون تغییر باقی می‌ماند.

مسابقهٔ عکس «نور و سایه»

فراخوان. مسابقهٔ عکس «نور و سایه» ویژهٔ عکاسان آماتور برگزار می‌شود. هر شرکت‌کننده حداکثر ۵ عکس می‌فرستد. مهلت ارسال ۱۵ آبان است. نشانی: ۱۲۰ خیابان ۱۵ خرداد، نبش کوچهٔ ۱۲، ساختمان ۴۵، طبقهٔ دوم.

آگهی فروش یک دستگاه چاپگر

آگهی. یک دستگاه چاپگر لیزری سیاه‌وسفید به‌همراه ۳ کارتریج یدکی فروش می‌رود. دستگاه کمتر از ۲ سال کار کرده و سالم است. تماس با ۰۹۱۲۳۴۵۶۷۸۹ و پرسیدن آقای رضایی.

آگهی فروش یک دستگاه چاپگر

آگهی. یک دستگاه چاپگر لیزری سیاه‌وسفید به‌همراه ۳ کارتریج یدکی فروش می‌رود. دستگاه کمتر از ۲ سال کار کرده و سالم است. تماس با ۰۹۱۲۳۴۵۶۷۸۹ و پرسیدن آقای رضایی.

مسابقهٔ عکس «نور و سایه»

فراخوان. مسابقهٔ عکس «نور و سایه» ویژهٔ عکاسان آماتور برگزار می‌شود. هر شرکت‌کننده حداکثر ۵ عکس می‌فرستد. مهلت ارسال ۱۵ آبان است. نشانی: ۱۲۰ خیابان ۱۵ خرداد، نبش کوچهٔ ۱۲، ساختمان ۴۵، طبقهٔ دوم.

نشانی تازه‌ی دفتر مجله

اطلاعیه. دفتر تازه‌ی مجله در خیابان ۱۵ خرداد، نبش کوچهٔ ۱۲، ساختمان ۴۵، طبقهٔ دوم است. صندوق پستی ۱۴۵۵–۱۹۳۱۷ بدون تغییر باقی می‌ماند.

دعای باران در منطقهٔ مینه‌لند

(ادامهٔ صفحهٔ 5)

حضور همه در این مراسم الزامی است. هیچ‌کس حق ندارد به بهانهٔ کار یا خستگی غایب باشد. اگر کسی بیمار است، باید کسی را به جای خود بفرستد. این قاعده باعث می‌شود که مراسم هر سال با جمعیت زیادی برگزار شود و هیچ خانواده‌ای احساس نکند که از جمع کنار گذاشته شده است.